

دیدگاه طرح‌واره درمانگران نسبت به نقش مؤلفه‌های طرح‌واره‌ای در  
سبب‌شناسی خیانت زناشویی: یک مطالعه کیفی

Schema Therapists Views about the Role of Schema Component in  
Marital Infidelity: a Qualitative Study

**S. Malekasgar, Ph.D. student.**

Department of Psychology, Faculty of education  
and psychology, Shahid Beheshti, Tehran, Iran

**M. A. Mazaheri, Ph.D.**

Department of Psychology, Faculty of education  
and psychology, Shahid Beheshti, Tehran, Iran

**L. Fata, Ph.D.**

Iran medical science University, Tehran, Iran.

**F. Mootabi, Ph.D.**

Department of Psychology, Family Research  
Institution, Shahid Beheshti, Tehran, Iran

**M. Heydari, Ph.D.**

Department of Psychology, Faculty of education  
and psychology, Shahid Beheshti, Tehran, Iran

✉ سعادۀ ملک‌عسگر

گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه  
شهید بهشتی

دکتر محمدعلی مظاهری

گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه  
شهید بهشتی

دکتر لادن فتی

گروه روان‌شناسی دانشگاه علوم پزشکی ایران

دکتر فرشته موتابی

گروه روان‌شناسی، پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی

دکتر محمود حیدری

گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه  
شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۹۹/۲/۱۳

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۹/۵/۲۶

پذیرش مقاله: ۹۹/۶/۱۵

**Abstract**

Marital infidelity is one of the most common and also destructive phenomena in marital relationship. Individual, relationship, and contextual factors are seen as important predictor of infidelity.

✉ Corresponding author: department of psychology, Shahid Beheshti University, Evin, Tehran, Iran.  
Email: [saade.malekasgar@gmail.com](mailto:saade.malekasgar@gmail.com)

**چکیده**

رابطه خارج از ازدواج یکی از شایع‌ترین و آسیب‌زاترین مشکلات زوجی است. پیش‌بینی‌کننده‌های خیانت زناشویی در سه طبقه مؤلفه‌های فردی، ارتباطی و بافتاری طبقه‌بندی می‌شوند.

✉ نویسنده مسئول: ایران، تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی،  
دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی  
پست الکترونیکی: [saade.malekasgar@gmail.com](mailto:saade.malekasgar@gmail.com)

The aim of this study was to explore the role of early maladaptive schema in marital infidelity. The data was gathered through 3 focused group of schema therapist and analyzed by Braun and Clarke method. Result present there overarching themes, trait schema component, state schema component and further schema. The first theme was about schemas and coping strategy. The analyses show the role of early maladaptive schema in disconnection and rejection, impaired limit and other directedness domains and overcompensation and surrender coping strategy. Vulnerable child mode, impulsive child mode, punitive parent mode and detached self-soother coping mode is seen in state related component. At last, individual and contextual factors are reported as further schema component. In sum, early maladaptive schemas as an individual factor can be seen as a predictor factor in marital infidelity.

**Keywords:** Marital Infidelity, Early Maladaptive Schema, Focused Group.

هدف این مطالعه بررسی نقش یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فردی یعنی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در خیانت زناشویی بود. برای رسیدن به این هدف سه گروه متمرکز از متخصصان حوزه طرح‌واره درمانی تشکیل شد و داده‌ها به روش کلارک و بران تحلیل شد. در نهایت سه مضمون سایه‌بانی مؤلفه‌های حالتی طرح‌واره، مؤلفه‌های صفتی طرح‌واره و مؤلفه‌های فراتر از طرح‌واره استخراج شد.

نتایج نشان دادند که فعالیت طرح‌واره‌های حوزه طرد و بریدگی، محدودیت‌های مختل و دیگرجهت‌مندی در کنار استراتژی‌های مقابله جبران افراطی و تسلیم در افراد دارای خیانت زناشویی پررنگ‌تر مشاهده شده است. ذهنیت‌های کودک آسیب‌دیده، کودک تکانشی، والد سرزنشگر و محافظ منفک‌شده خودآرام‌بخش نیز مورد توجه بودند. نهایتاً دیگر مؤلفه‌های فردی و بافتاری مؤثر در خانت زناشویی نیز مورد اشاره متخصصان قرار گرفتند. در مجموع می‌توان گفت، طرح‌واره ناسازگار اولیه به عنوان یک فاکتور فردی در کنار مؤلفه‌های دیگر در بروز رابطه خارج از ازدواج مؤثر هستند.

**کلیدواژه‌ها:** خیانت زناشویی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، گروه متمرکز

## مقدمه

طلاق که در بیشتر مواقع نتیجه عدم رضایت زناشویی زوجین است، روند صعودی به خود گرفته و نسبت آن به ازدواج در سال، رشد نگران‌کننده‌ای داشته، به طوری که در سال ۱۳۹۴ در مقابل هر ۴/۲ ازدواج یک طلاق در کل کشور و در مقابل ۲/۹ ازدواج یک طلاق در تهران ثبت شده است (ثبت احوال کشور، ۱۳۹۴). رابطه خارج از ازدواج پدیده‌ای است که اغلب برای ارضای نیازهای عاطفی فرد از طریق رابطه‌ای خارج از رابطه کنونی به وقوع می‌پیوندد. خیانت، عبور فرد از مرزهای رابطه زناشویی و برقراری صمیمیت فیزیکی یا عاطفی با فردی خارج از رابطه است (اگزون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰) که فرد امید دارد به کمک آن بتواند نیازهای روانی‌اش را ارضا کند (آپستولو<sup>۲</sup>، ۲۰۱۹). در جوامع مدرن، با وجود تغییر مرزهای رابطه عاطفی، تعهد و تک‌همسری همچنان یک اصل مورد وثوق است (اولسون، دفرین و اسکوگران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰) و با وجود اینکه

خیانت یک عمل غیر قابل قبول است و یک خطای عمده در روابط محسوب می‌شود، همچنان فراوانی قابل توجهی دارد (فیف، ویک و استلبرگ،<sup>۴</sup> ۲۰۱۳).

آمار خیانت در جوامع مختلف در حال افزایش است (علوی، می<sup>۵</sup> و مهری‌نژاد، ۲۰۱۸). ۲۰ تا ۴۰ درصد مردان و ۱۴ الی ۲۵ درصد زنان حداقل یک بار خیانت به همسرشان را گزارش کرده‌اند (آلن و اتکین،<sup>۶</sup> ۲۰۱۲) و ۴۵ درصد مردان و ۲۶ درصد زنان داشتن رابطه خارج از ازدواج را در شش ماه گذشته تأیید می‌کنند (ایگنت<sup>۷</sup>، ۲۰۱۸). مسئله خیانت زناشویی در جامعه ایران نیز به عنوان یک نگرانی مطرح است و با ناپایداری در روابط و نرخ بالای طلاق همراه است (مدرسی و زاهدیان و محمدآباد، ۱۳۹۳). خیانت زناشویی تأثیر غیر قابل جبرانی بر رابطه عاطفی و رضایت زناشویی افراد بر جای می‌گذارد (روادزلو<sup>۸</sup>، ۲۰۱۲) و در بسیاری از موارد علت و در عین حال معلول مشکلات زناشویی است (آلن و اتکین، ۲۰۱۲).

مطالعات متعددی به بررسی دلایل وقوع رابطه خارج از ازدواج پرداخته‌اند، این عوامل نهایتاً در چهار طبقه اصلی عوامل جمعیت‌شناختی هم‌چون سن، جنسیت، وضعیت اقتصادی اجتماعی، عوامل مربوط به فرد هم‌چون عوامل شخصیتی و نگرش‌ها، عوامل مربوط به رابطه مانند آسفتگی و عدم رضایت زناشویی و نهایتاً عوامل مربوط به محیط هم‌چون مذهب، اقتضانات شغلی و فرهنگ طبقه‌بندی می‌شوند (فینچام و می<sup>۹</sup>، ۲۰۱۷). مطالعات انجام‌شده‌ای که بر فرد عهدشکن متمرکز بودند، مشخص ساختند عوامل و خصوصیات شخصیتی مثل نورزگرایی، اضطراب روانی بالا، دلبستگی ناایمن (دی‌وال، لامبرت، سلوتر، پنود، دکمن، فینکل و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۱) داشتن روابط پیش از ازدواج متعدد و باز بودن نسبت به تجربه رابطه صمیمی (هاکاتورن و برنتلی<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۴) و کیفیت نگرش به رابطه خارج از ازدواج (ویزر، ویگل، لالاس و اوان<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۷) می‌توانند فرد را نسبت به شروع رابطه موازی آسیب‌پذیر کنند.

در این میان، عوامل مستعدکننده در فرد عهدشکن از آن جهت اهمیت می‌یابند که در نهایت او است که این تصمیم را رقم می‌زند، دلیل دیگری که باعث می‌شود این عوامل مورد توجه قرار گیرند این موضوع است که تنها عاملی که در روان‌درمانی قابل کنترل است، ذهن مراجع است. رابطه خارج از ازدواج راه‌حلی است که فرد برای ارضای نیازش برمی‌گزیند. این انتخاب نیز هم‌چون تمام انتخاب‌های کوچک و بزرگ زندگی فرد بر اساس سودها و زیان‌های کوتاه و بلندمدت و بررسی تمام ابعاد گرفته می‌شود. لیکن همان‌طور که لیهی<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۶) اشاره می‌کند، تصمیم‌گیری، فرایندی است که کاملاً تحت تأثیر آسیب‌شناسی‌های روان‌شناختی، پیش‌فرض‌ها، سوگیری‌ها و ادراک فرد از موقعیت قرار می‌گیرد. تصمیم به خیانت نیز باید فراتر از تفکر منطقی و بررسی ساده سود و زیان‌هایش دیده شود؛ چراکه حرمان و رنج نهفته در آن خبر از احتمال وجود آسیب‌های عمیق در فرد می‌دهد. به نظر می‌رسد نیازهای روانی ارضاننده، سوگیری در ادراک واقعیت و سبک رفتاری ناسازگار است که فرد را به سمت انتخاب خیانت به عنوان یک راه‌حل پیش می‌برد و تمام این‌ها در کنار یکدیگر در طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه<sup>۱۴</sup> دیده می‌شود. این دلیلی است برای اندیشیدن به این موضوع که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه می‌توانند در تبیین چرایی رابطه فرازناشویی راهگشا باشند. زمانی که نیازهای متعارف و سالم تحولی در دوران کودکی برآورده نشوند، طرح‌واره‌ها شکل می‌گیرند. طرح‌واره‌ها سازه‌های روان‌شناختی هستند مشتمل بر باورهای غیرشرطی ناسازگار فرد درباره خود، دنیا و افراد دیگر (یانگ<sup>۱۵</sup>، ۱۹۹۹؛ یانگ، کلاسکو و ویشار<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۳). آسیب طرح‌واره‌های ناسازگار صرفاً به یک موقعیت ختم نمی‌شود و

ردپای آن در تمامی تصمیم‌ها و انتخاب‌های مهم زندگی فرد اعم از انتخاب شغل، همسر، شیوه فرزندپروری، شیوه مرزبندی در روابط میان‌فردی و دیگر حوزه‌های مهم زندگی فرد به چشم می‌خورد (ورسویک، برورسن و نادرث، ۲۰۱۳). طرح‌واره‌ها در پنج حوزه طرد و بریدگی<sup>۱۸</sup>، خودگردانی و عملکرد مختل<sup>۱۹</sup>، محدودیت مختل<sup>۲۰</sup>، دیگرجهت‌مندی<sup>۲۱</sup> و گوش‌به‌زنگی بیش از حد و بازداری<sup>۲۲</sup> طبقه‌بندی می‌شوند (رافائل، برنشتاین و یانگ<sup>۲۳</sup>، ۲۰۱۱). افرادی که طرح‌واره‌هایشان در حوزه طرد و بریدگی قرار دارد، نمی‌توانند دلبستگی‌های ایمن و رضایت‌بخش با دیگران برقرار کنند. آنان اعتقاد دارند روابطشان با افراد مهم زندگی ثباتی ندارد، معتقدند در کوچک‌ترین فرصتی مورد سوءاستفاده قرار خواهند گرفت و انتظار ندارند تمایلاتشان در روابط ارضا شود. افرادی که طرح‌واره‌هایشان در حیطه خودگردانی و عملکرد مختل قرار دارد، در عملکرد مستقل دچار مشکل هستند. اینان احساس می‌کنند بدون کمک جدی دیگران از عهده کارهایشان برنمی‌آیند. افرادی که طرح‌واره‌هایشان در حوزه محدودیت‌های مختل قرار دارد، محدودیت‌های درونی در خصوص احترام متقابل و خویش‌داری را به حد کافی در ذهن ندارند. خودشان را یک سر و گردن از دیگران بالاتر می‌دانند، حقوق و امتیازات خاصی برای خود قائل‌اند. طرح‌واره‌های حوزه دیگرجهت‌مندی متضمن معنای پذیرش مشروط است. افراد دارای این طرح‌واره‌ها به جای رسیدگی به نیازهای خود، به دنبال ارضای نیازهای دیگران هستند. این کار را برای دستیابی به تأیید، تداوم رابطه هیجانی یا اجتناب از انتقام انجام می‌دهند. افراد با طرح‌واره‌های حوزه گوش‌به‌زنگی بیش از حد و بازداری اغلب تلاش می‌کنند تا بتوانند طبق قواعد انعطاف‌ناپذیر و درونی‌شده خود عمل کنند، به جنبه‌های منفی زندگی خیلی تأکید دارند و رفتارها، احساسات و روابط بین‌فردی خودانگیزه‌شان را محدود می‌کنند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳).

نقش طرح‌واره‌ها در آسیب‌شناسی روانی روابط میان‌فردی به صورت سوء‌نگرش‌ها، گمانه‌های تحریف‌شده، هدف‌ها و انتظارات نادرست، ادراک و تفاسیر غیرواقع‌بینانه خود را نشان می‌دهند (پاسکال، کرسستین و جین<sup>۲۴</sup>، ۲۰۰۸). هم‌چنین، برانگیختن طرح‌واره‌ها، باعث ایجاد جذابیت جنسی و غیرجنسی در روابط عاشقانه می‌شود و از سویی دیگر مشکلات ارتباطی زوجین بیشتر از آن که به روابط فعلی آن‌ها با همسرشان مربوط شود، در واقع ریشه در طرح‌واره‌های آنان دارد (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با طیف وسیعی از مشکلات بین‌فردی و روابط صمیمی ارتباط دارد (تیم<sup>۲۵</sup>، ۲۰۱۳) و تا حد زیادی شکست در رابطه عاطفی و طلاق را پیش‌بینی می‌کنند (یوسفی، اعتمادی و بهرامی، ۱۳۸۹)، با رضایت زناشویی (پیروی، بهرامی، ۱۳۹۶) و صمیمیت زناشویی (ذوالفقاری، فاتحی‌زاده و عابدی، ۱۳۸۷) رابطه منفی دارد و احتمال ازهم‌پاشیدگی و جدایی را بالا می‌برد، مشکلات را در رابطه صمیمی ایجاد می‌کنند و باعث می‌شوند افراد شکست‌های مکرر را در روابط نزدیک‌شان تجربه کنند (منز، بریت و ولیبرکیون<sup>۲۶</sup>، ۲۰۱۰). نظریه‌پردازان معتقدند طرح‌واره‌ها به طرق متعددی می‌تواند در تصمیم فرد برای خیانت تأثیرگذار باشند (سیمون‌دی فرانسیسکو، رودریگر، ستیون<sup>۲۷</sup>، ۲۰۱۵).

در کنار طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، نقش سبک‌های مقابله‌ای به عنوان الگوهای رفتاری که به منظور انطباق با طرح‌واره و جلوگیری از تجربه هیجان شدید و استیصال ناشی از آن به کار گرفته می‌شوند (رافائل و همکاران، ۲۰۱۱) نیز در وقوع رابطه خارج از ازدواج حائز اهمیت است. در واقع طرح‌واره شامل خاطرات، هیجانات، احساسات بدنی و شناخت‌واره‌هاست و رفتار بخشی از پاسخ‌های مقابله‌ای است که غیرمستقیم از

طرح‌واره نشئت می‌گیرد (یانگ، ۲۰۰۳). سبک‌های مقابله‌ای که افراد در برابر طرح‌واره‌های خود اتخاذ می‌کنند، تعیین‌کننده سبک رفتار و تعاملات آنان است (نوردال، هولت و هاگام<sup>۲۸</sup>، ۲۰۱۵). خیانت زناشویی یک رفتار ناسازگارانه و خودآسیب‌رسان است، رفتاری در جهت ارضای یک نیاز روانی که ممکن است از ترکیب طرح‌واره‌ها و سبک‌های مقابله‌ای متفاوت ناشی شود. برای اندیشیدن به تأثیر طرح‌واره بر رابطه فرازناشویی، لازم است ترکیب طرح‌واره‌ها و سبک‌های مقابله‌ای توأمان در نظر گرفته شوند، زیرا در دیدگاه طرح‌واره‌درمانی مشکلات ارتباطی از سبک‌های مقابله‌ای منتج می‌شوند که خود دفاع‌هایی هستند در برابر طرح‌واره‌ها (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳) و این ترکیب خود را به شکل ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای نشان می‌دهد. تاکنون مطالعاتی به بررسی نقش طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در خیانت زناشویی پرداخته‌اند (استیلز<sup>۲۹</sup>، ۲۰۰۴) که بررسی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در خیانت پرداخت نشان داد رابطه معناداری در این زمینه وجود دارد. پژوهش کولایی، مطلق، اسماعیلی، تقوایی و رحمتی‌زاده (۱۳۹۳) نشان داد نمره طرح‌واره‌های اولیه در مردان پیمان‌شکن نسبت به مردان غیرپیمان‌شکن بالاتر است که بیانگر آشفتگی ذهنی یا وجود طرح‌واره‌های ناسازگار در بین این افراد است. مطالعه زینالی و امیرسرداری (۲۰۱۷) در همین زمینه روشن ساخت، طرح‌واره‌ها توان پیش‌بینی‌کنندگی بالایی در رابطه خارج از ازدواج دارند. پورحجت (۲۰۱۸) نیز همراهی بالایی بین طرح‌واره‌های رهاشدگی، محرومیت هیجانی، نقص و شرم، ایثار، اطاعت، استحقاق و خویشتن‌داری ناکافی با رابطه خارج از ازدواج مشاهده کرد. این مطالعات تا حدی نقش طرح‌واره‌ها را در این پدیده روشن کرده‌اند.

اما تمامی مطالعاتی که شرح آن رفت، با استفاده از روش‌های کمی تنها بر بررسی نقش طرح‌واره‌ها متمرکز شده‌اند و هم‌چنان نقش سبک‌های مقابله‌ای و ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای در این میان نامشخص است و با درک خیانت زناشویی از دیدگاه طرح‌واره درمانی فاصله داریم. این درک می‌تواند دیدگاه جدیدی نسبت به خیانت زناشویی بیافریند. دیدگاهی که در آن بر سهم عوامل مربوط به فرد عهدشکن تأکید بیشتری خواهد شد و به جای اکتفا به آنچه در فضای فعلی زندگی فرد، او را به سمت این انتخاب سوق داده است، قدمی فراتر گذاشته می‌شود و در فضایی روانی عمیق‌تر، به ریشه‌های این انتخاب توجه خواهد شد. این مفهوم‌پردازی می‌تواند به افراد درگیر در این روابط کمک کند تا به بینشی وسیع‌تر در مورد نیاز خود دست پیدا کنند و بدانند که این معشوق نیست که خواستنی است؛ بلکه تلاش مذبحانه برای ارضای نیاز است که آنان را وارد و وابسته رابطه جدید کرده است. با یافتن این بینش رنج فرد قابل تحمل‌تر می‌شود و از تکرار این الگوی مخرب در روابط بعدی جلوگیری خواهد شد.

با توجه به وجود چندین و چند بعد در این موضوع، یعنی وجود ۱۹ طرح‌واره ناسازگار اولیه، سه سبک رفتار مقابله‌ای و ۱۵ ذهنیت طرح‌واره‌ای برای جمع‌بندی مفهوم‌پردازی طرح‌واره‌ای خیانت زناشویی، تصمیم گرفتیم اولین قدم برای دستیابی به یک دید جامع را با مطالعه کیفی و با تمرکز بر دیدگاه متخصصان برداریم. در واقع پیچیدگی این موضوع که از شیوه تأثیرگذاری متنوع هر طرح‌واره در ترکیب با یکی از سه سبک مقابله در کنار گوناگونی انواع خیانت‌های زناشویی ناشی می‌شود، ما را بر آن داشت که در گام اول نظر متخصصان این حوزه را جویا شویم و سپس بر پایه نتایج به دست آمده، مطالعات بعدی که بر بررسی افراد درگیر در این رابطه متمرکز خواهد بود را طراحی کنیم. این روش به نوعی کوتاه‌ترین و شاید بتوان گفت

پرتوان‌ترین مسیر برای رسیدن به یک جمع‌بندی ابتدایی در این زمینه است که می‌تواند کمک شایانی برای طراحی و پایه‌ریزی مطالعات بعدی محسوب شود.

بر این اساس، با وجود نیاز به انجام یک مطالعه دقیق و پرداختن به جزئیات پدیده مورد نظر در این مطالعه قصد داریم با استفاده از یک روش کیفی یعنی برگزاری جلسات گروه متمرکز با متخصصان حوزه طرح‌واره درمانی، نقش طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را در کنار عملکردهای طرح‌واره‌ای درگیر در روابط فرازنشویی مورد بررسی قرار دهیم.

## روش

روش پژوهش مورد استفاده در این مطالعه، کیفی و به شیوه تحلیل مضمون<sup>۳۰</sup> (TA) بود. تحلیل مضمون روشی برای شناسایی، تحلیل و بیان الگوها یا مضامین موجود درون داده‌هاست (کلارک، براون و هایفیلد<sup>۳۱</sup>، ۲۰۱۳). از بین روش‌های مرسوم تحلیل مضمون، در این مطالعه از راهبرد تحلیل مضامین مکتون<sup>۳۲</sup> استفاده شد. در این شیوه تمرکز اصلی بر استخراج معانی نهفته در رویه و سطح داده‌هاست که در شکل‌گیری یک ساختار معنایی مشارکت دارند. دست‌یافتن به چنین معانی نهفته‌ای مستلزم تلاش تفسیری مضاعفی از سوی محقق است که بخش عمده‌ای از آن نیز با طرح پرسش‌های جست‌وجوگر در فرایند مصاحبه تحصیل می‌شود (کلارک و همکاران، ۲۰۱۵).

## جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این مطالعه کلیه روان‌درمانگران ساکن در شهر تهران بود که دست‌کم دو سال با رویکرد طرح‌واره‌درمانی به کار روان‌درمانی می‌پردازند. در همین راستا با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و با دارا بودن ملاک‌های ورود در پژوهش، به عنوان نمونه‌های پژوهش در جلسه گروه کانونی شرکت کردند. نمونه‌گیری و برگزاری جلسات تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و نهایتاً سه گروه متمرکز با شرکت ۱۴ نفر برگزار شد. مهم‌ترین ملاک‌های در نظر گرفته‌شده برای ورود روان‌درمانگران در این مطالعه نیز عبارت بود: ۱- حداقل سه سال فعالیت بالینی، ۲- حداقل دو سال فعالیت بالینی با رویکرد طرح‌واره درمانی، ۳- داشتن حداقل تحصیلات کاندیدای دکتری روان‌شناسی بالینی، ۴- داشتن حداقل ۱۰ مراجعه با موضوع رابطه خارج از ازدواج. در این میان شش نفر از متخصصان دارای مدرک دکتری روان‌شناسی بالینی بودند و دیگر افراد کاندیدای دکتری روان‌شناسی بالینی بودند. پنج نفر به طور اختصاصی در زمینه زوج‌درمانی فعالیت می‌کردند و دیگر اعضا در حوزه بزرگسال مشغول به فعالیت بودند.

مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته با شرکت‌کنندگان مزبور تا جایی ادامه یافت که اشباع نظری حاصل شود. سؤال اصلی مصاحبه نیز عبارت بود از این که «کدام طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در کنار کدام یک از سبک‌های مقابله‌ای و ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای در رابطه خارج از ازدواج درگیر هستند». به منظور پیگیری و عمیق‌تر شدن اطلاعات اخذ شده، سؤالات جست‌وجوگر نیز در ادامه پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان ارائه می‌شد.

## شیوه اجرا

ابزار گردآوری اطلاعات در این مطالعه، مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته به روش گروه کانونی بوده است. پیش از اجرای هر مصاحبه، توضیحاتی پیرامون هدف تحقیق برای مصاحبه‌شوندگان ارائه شده و سپس رضایت آن‌ها از شرکت در پژوهش که مشتمل بر محرمانگی اطلاعات، مجوز ضبط صدا و استفاده از محتوای آن برای اهداف پژوهشی بود، اخذ شد. هر یک از مصاحبه‌های انجام‌شده، محدوده زمانی بین ۶۰ تا ۱۲۰ دقیقه را به خود تخصیص داد، چنان که میانگین زمان صرف‌شده برای کلیه مصاحبه‌ها مشتمل بر ۹۰ دقیقه بوده است. در این مطالعه از رویکرد شش مرحله‌ای براون و کلارک<sup>۳۳</sup> (۲۰۰۶) برای کدگذاری و استخراج مضمون استفاده شده است؛ آشنایی با مبانی نظری تحقیق و محتوای مصاحبه‌ها، کدگذاری، جست‌وجوی مضامین، بازنگری مضامین، نام‌گذاری و تعریف مضامین و نوشتن گزارش. در همین راستا پس از ضبط مصاحبه، محتوای آن‌ها در ابتدا توسط یکی از محققان با تمام جزئیات پیاده‌سازی و سپس نسخه پیاده‌سازی‌شده توسط محقق دیگری با مصاحبه ضبط‌شده تطبیق داده شد تا اعتبار نسخه نهایی پیاده‌سازی‌شده مورد تأیید قرار گیرد. در وهله بعدی، متن هر یک از مصاحبه‌ها به صورت سیستم کدگذاری باز برای تولید طبقه‌های اولیه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بر این اساس ابتدا متن مصاحبه‌ها به واحدهای معنایی خرد تقسیم و در مرحله بعدی پس از تلخیص‌شدن، به کدهای قابل بررسی مبدل شد. کدهای مختلف نیز بر اساس تفاوت‌ها و شباهت‌هایشان با هم مقایسه شده و در طبقه‌های مختلف دسته‌بندی شدند. در راستای اعتباربخشی به کدگذاری‌های انجام‌شده، محقق با قرار دادن نسخه‌ای از محتوای مصاحبه‌ها در اختیار سه متخصص دیگری که با هدف مطالعه آشنایی داشتند، پیرامون اختلافات محتمل در کدگذاری‌ها، تبادل نظر شد تا به اجماع لازم منتهی شود. پس از استخراج مضامین زیربنایی شکل‌دهنده کدهای مشترک، به سازمان‌دهی اطلاعات، نام‌گذاری و تعریف دقیق مضامین و تهیه یک توصیف جامع و کامل از محتوای مصاحبه‌ها مبادرت شد.

## نتایج

در پی تحلیل یافته‌های این پژوهش مبتنی بر روش پیشنهادی کلارک و بران (۲۰۱۵) سه مضمون سایه‌بانی<sup>۳۴</sup>، ۹ مضمون<sup>۳۵</sup> و مضمون فرعی<sup>۳۶</sup> استخراج شد و نهایتاً نقشه مضامین ترسیم شد. بر اساس این دیدگاه مضامین سایه‌بانی در تحلیل بالاترین سطح انتزاع را فراهم می‌آورند و از جمع‌بندی و نظم‌بخشی مضامین استنتاج می‌شوند. مضامین، روشن‌گر یک مفهوم سازمان‌دهنده مرکزی هستند که ابعاد آن‌ها در مضامین فرعی مورد توجه قرار می‌گیرند و از در کنار هم قرار گرفتن چند مضمون فرعی ساخته می‌شوند. مضامین سایه‌بانی این مطالعه، سازه‌های صفتی طرح‌واره‌ای، سازه‌های حالتی طرح‌واره‌ای و فراتر از طرح‌واره هستند. شرح این مضامین سایه‌بانی و دیگر مضامین اصلی و فرعی در ادامه ارائه می‌شود. سازه‌های صفتی طرح‌واره‌ای، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های مقابله‌ای در دیدگاه طرح‌واره‌درمانی سازه‌های صفتی تلقی می‌شوند. تحلیل نتایج به دست آمده روشن ساخت دو مؤلفه باثبات دیدگاه طرح‌واره‌درمانی یعنی طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های مقابله‌ای در کنار هم نقش مؤثری در آسیب‌پذیری افراد در ورود به رابطه خارج از ازدواج دارند.

طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه: این مضمون از کنار هم قرار گرفتن مجموعه‌ای مضامین فرعی مربوط به حوزه طرد و بریدگی، حوزه محدودیت‌های مختل و حوزه دیگرجهت‌مندی تشکیل شد که هر یک به حوزه خاصی از فعالیت‌های طرح‌واره‌ای اشاره داشتند.

حوزه طرد و بریدگی: پرتکرارترین مضمونی که توسط تمام متخصصان این پژوهش مورد توجه قرار گرفت، فعالیت بالای طرح‌واره‌های حوزه طرد و بریدگی بود. افرادی که طرح‌واره‌هایشان در این حیطه قرار می‌گیرد، نمی‌توانند دلبستگی‌های ایمن و رضایت‌بخشی با دیگران برقرار کنند. آنان معتقدند که روابطشان نیاز آن‌ها به ثبات، امنیت، محبت، عشق و تعلق خاطر را برآورده نخواهد کرد.

فعالیت این حوزه به طور کلی به عنوان یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در بروز خیانت زناشویی، مورد توجه همه متخصصان بود: «من فکر می‌کنم همون جوری که آقای دکتر فرمودن در زمینه خیانت عاطفی، ما اکثر طرح‌واره‌های حوزه طرد و بریدگی رو داریم خب؟ که مثلاً آقای دکتر اصلش محرومیت هیجانیه ره‌اشدگی می‌تونه باشه و بی‌اعتمادی و بدرفتاری هم می‌تونه باشه.»

هر یک از طرح‌واره‌های این حوزه نیز به طور جداگانه مورد توجه قرار گرفتند. طرح‌واره ره‌اشدگی/بی‌ثباتی با مفهوم اصلی بی‌ثباتی نسبت به دریافت محبت و برقراری ارتباط و نگرانی و مشغله ذهنی مدام با رها شدن و تنهایی: «طرح‌واره طرد یعنی بلافاصله با کوچک‌ترین اتفاقی که از جانب همسر می‌افته، اینا احساس طرد کردن می‌کنن و به رابطه دیگه‌ای پناه می‌برن»، طرح‌واره محرومیت هیجانی با محوریت انتظار برای عدم ارضای نیازهای هیجانی چون محبت، همدلی و حمایت: «یکی مخم رو می‌زنه و نوازش سطحی می‌کنه و من فکر می‌کنم محرومیت هیجانی پر شد و وارد رابطه می‌شوم»، بی‌اعتمادی/بدرفتاری و نگرانی و دغدغه آسیب‌دیدن، دروغ‌شنیدن و مورد بدرفتاری قرار گرفتن: «بی‌اعتمادی اینه که زن من می‌تونه یا شوهرم می‌تونه یه روزی خیانت کنه، من اولی باشم که دست اول رو دارم یا اگر یه روز متوجه شدم حس بازنده بودن نداشته باشم» و نقص و شرم و باور به ناقص، نامطلوب، حقیر و بی‌ارزش بودن خود: «نقص و شرم همون طور که تو گفتی هم تسلیمش رو اینور می‌بینم، هم جبران افراطیش رو می‌بینم». عوامل بالا برنده ریسک درگیری خیانت زناشویی برشمرده شدند. در این میان به طرح‌واره انزوای اجتماعی اشاره‌ای نشد.

از سوئی دیگر نیازهای زیربنایی این حوزه نیز مورد توجه متخصصان بودند. آنان معتقد بودند افراد برای ارضای نیازهای دلبستگی، محبت، مراقبت و توجه وارد روابط موازی می‌شوند: «در موردهایی که میان احساس تنهایی شدید، احساس درک‌نشده شدن شدید؛ اونجایی که احساس می‌کنن یه پناهی، فکر می‌کنم گم شده است، این که کاش اونو داشتیم، نه با احساس اولیه خیانت، ولی به اون میل پیدا می‌کنم، می‌رم به سمت رابطه، محرومیت رو کم نمی‌بینم، ولی ره‌اشدگی رو خیلی می‌بینم، به مو بنده. من اون لحظه‌ای که احساس می‌کنم که نکنه که دیگه نباشه، واقعاً نیاز دارم که یکی رو داشته باشم.»

حوزه محدودیت‌های مختل: افراد دارای طرح‌واره‌های این حوزه که شامل طرح‌واره استحقاق و خویش‌داری ناکافی است، توانایی مهار تکانه‌های خود را ندارند و نمی‌توانند ارضای نیازهای آنی خود را به تأخیر بیندازند. در نگاه متخصصان این پژوهش طرح‌واره استحقاق شرط لازم بروز خیانت زناشویی است و فعالیت دیگر طرح‌واره بدون فعالیت طرح‌واره با احتمال بسیار کمتری به رابطه خارج از ازدواج منجر خواهد شد: «- اصلاً خیانت در نهایت استحقاقه- آره یعنی انگار اونی که می‌گم یه ورش محرومیت هیجانیه، یه ورش



اینه که حقمه! - یعنی انگار یه چسب دوقلویییه که اگر اون یکی قلش نباشه، نمی‌چسبه - آره‌آره، چون در نهایت تو یه حقی به خودت دادی».

طرح‌واره دیگر این حوزه یعنی خویشتن‌داری ناکافی نیز در تبیین خیانت زناشویی از نگاه متخصصان این مطالعه حائز اهمیت بوده و این نکته مورد توجه قرار گرفت که این افراد در پذیرش محدودیت و ناکامی در رابطه زوجی ناتوان هستند و نمی‌توانند تکانه‌ها و نیازهای خود را به درستی مدیریت کنند: «تو نمی‌خواهی محدودیت‌ها رو قبول کنی که ۱۲ سال پیش با همکلاسیت تو دانشگاه آشنا شدی، اون زمان اینو انتخاب کردی، الان شاید تو اون یکی کارم تو اداره رفتی بانک، آدم بسیار زیبا هم اونجا هست، عملاً اگر بخوای طرح‌واره‌ای نگاه کنی».

دیگر جهت‌مندی: حوزه دیگری است که هرچند با فراوانی کمتر، اما مورد توجه قرار گرفته است. نیاز افراطی به تأیید و توجه دیگران و تلاش و تقلا برای دستیابی به تأیید مهم‌ترین خصوصیت این مضمون است. در این میان همه طرح‌واره‌های این حوزه یعنی طرح‌واره‌های اطاعت، ایثار و پذیرش‌جویی/جلب توجه در تبیین خیانت زناشویی مورد توجه قرار گرفتند. طرح‌واره اطاعت با احساس اجبار به واگذاری کنترل خود به دیگران، به شکل جبران افراطی مکرراً مورد توجه قرار گرفت: «من بیشتر تو زن‌ها اون جبران افراطی اطاعت رو می‌بینم، در واقع نوعی خشم منفعله می‌شه تو فرهنگ ما که زن‌ها وقتی از شرایط ناراضی هستند، میرن»، طرح‌واره ایثار و تمرکز افراطی بر ارضای نیازهای دیگران در زندگی روزمره به قیمت عدم ارضای نیازهای خود: «خیلی از کیسا طرح‌واره ایثارن، یه آقایی بود به من گفت خودم رو دیدم این همه سال انگار عادت‌مه می‌رم می‌گردم، تو آشغاله. تمیزش می‌کنم می‌ذارمش سر طاقچه بعد اون می‌گه دیگه تو رو نمی‌خوام» و نهایتاً طرح‌واره پذیرش‌جویی/جلب توجه و تأکید افراطی بر کسب تأیید، توجه و پذیرش از سوی دیگران: «فصل مشترک این دو تا جلب توجه و تأییدجوییه، چون چه زن، چه مرد در هر صورت یه جور می‌گه نقص و شرم با استحقاق، رهاشدگی با مثلاً نمی‌دونم خویشتن‌داری ناکافی، ولی فکر می‌کنم در نهایت تو برای یه نفر دلبری و جذابیت داری، بعد اینکه محبتی که کرده متقابلاً جواب بدی، چون اگر این نباشه اصلاً ادامه پیدا نمی‌کنه، چه زن و چه مرد فصل مشترکش حتماً باید پذیرش‌جویی جلب توجه بیاد اینجا میشه».

سبک‌های مقابله: در دیدگاه متخصصان مورد گفت‌وگو در این پژوهش خیانت زناشویی یک استراتژی مقابله است: «وقتی کاوش می‌کنی می‌رسی به طرح‌واره‌های اصلی. واقعیت اینه که خیانت مشکل نیست، خیانت کوپینگه، یعنی اگر من بخوام بگم می‌گم کپینگه یعنی برای حل مشکلات رفتی یه اقدامی انجام دادی».

در قدم بعدی تحلیل کدهای به دست آمده روشن ساخت که خیانت‌ها با روایت‌های مختلف به انواع استراتژی‌های مقابله در برابر طرح‌واره‌های حوزه‌های مختلف ربط داده می‌شود.

سبک مقابله تسلیم سهم زیادی از توجه متخصصان این مطالعه را به خود اختصاص داده بود. بر این اساس، خیانت زناشویی را می‌توان در بسیاری از موارد تسلیم فرد در برابر طرح‌واره‌های حوزه طرد و بریدگی و حوزه محدودیت‌های مختل دانست: «اصلاً چون تمش اینه که من می‌رم، چشم بازار رو درمیارم که یکی رو پیدا می‌کنم که نمونه آدمی رو می‌یابم که انگار آلرژی دارم به روابطی که طرف باثبات باشه، نمونه. من به شخصه می‌بینم کسانی که حالا زن یا مرد رفتن و تو این روابط اسیر شدن یه بخش‌اش هم انگار آلرژی دارن

به روابط باثبات. خیانت‌ها هم بیسش یه رابطه وسط زمین و هواست، بی‌ثباته، من ره‌اشدگی رو می‌بینم» و همین‌طور در حوزه طرح‌واره‌های حوزه محدودیت‌های مختل: «در مورد استحقاق جداگانه، دیگه استحقاقه، ولی تسلیم می‌شه دیگه، آره من حقمه همه چیزای خوب رو داشته باشم».

از سویی دیگر سبک مقابله جبران افراطی به معنای جنگیدن با طرح‌واره به شکلی که انگار فرد طرح‌واره متضادی دارد نیز در این میان مورد توجه قرار گرفت. خیانت زناشویی از این منظر به شکل جبرانی در برابر طرح‌واره‌های حوزه طرد و بریدگی به خصوص طرح‌واره نقص و شرم دیده می‌شود: «وقتی هم می‌جنگه، حالا این جنگه یا جبران افراطیه، شاید بتونه یه ذره رو نقص و شرم برگردیم بگیریم آره، نه من ندارم خیلی هم خوبم» و طرح‌واره اطاعت: «اطاعت از این‌ور، منم نقش جبران رو بارزتر می‌بینم» مورد توجه قرار گرفت.

سازه‌های حالتی طرح‌واره‌ای: در دیدگاه طرح‌واره‌درمانی در کنار سازه صفتی و نسبتاً پایدار طرح‌واره، سازه‌های حالی نیز وجود دارند. ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای به عنوان مجموعه‌ای از طرح‌واره‌ها و عملیات طرح‌واره‌ای که در حال حاضر در ذهن فرد فعال هستند، به عنوان حالت‌های تجربه‌شونده معرفی می‌شوند. ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای و سهمی که در آسیب‌پذیری و همین‌طور تجربه رابطه خارج از ازدواج دارند، بخش زیادی از کدهای این مطالعه را به خود اختصاص دادند. مضامین این بخش را ذهنیت‌های کودک، ذهنیت‌های والد و ذهنیت‌های مقابله‌ای ناکارآمد تشکیل داده‌اند.

ذهنیت‌های کودک با محوریت هیجان‌ها هم‌چون خشم، ترس، اشمئزاز، فقدان و شادی و ابرازها و احساسات بدنی مشخص می‌شوند. در میان ذهنیت‌های کودک، ذهنیت کودک آسیب‌پذیر با احساس ناکامی، خالی بودن، تنهایی، عدم پذیرش اجتماعی، دوست‌نداشتنی بودن و محروم‌بودن از عشق مورد توجه قرار گرفت و مکرر تکرار شد: «من کودک آسیب‌پذیر رو که خیلی می‌بینم که این منو نوازش نکرد، قدرم رو ندونست، پس برم سمت یکی که قدرم رو می‌دونه».

ذهنیت کودک تکانشی با رفتار بر اساس احساسات و تکانه‌های لحظه به لحظه با روشی خودخواهانه و بدون توجه به دیگران نیز در تجربه خیانت زناشویی افراد مورد توجه قرار گرفت: «به نظر من کودک لوسه است که می‌گه من باید همه چی داشته باشم، بدون توجه به اینکه دارم چه بلایی سر بقیه می‌رم».

ذهنیت‌های والد: در این میان ذهنیت والد سرزنشگر مورد اشاره متخصصان قرار گرفت؛ صدای انتقادگر، تنبیه‌گر که از درون فرد را تنبیه می‌کند. خشم از خود و لایق تنبیه‌دانستن خود برای آنچه اتفاق افتاده است. «برگشت از اون مفر خیانت که جایی رفتن کافه اینا. این می‌غلته تو ذهنیت والد سرزنشگر و حال بد و سرزنش خود».

ذهنیت‌های مقابله‌ای ناکارآمد: ذهنیت محافظ خودآرام‌بخش، به معنای قطع کردن هیجان منفی با درگیر شدن در فعالیتی معمولاً تکانشی و اعتیادگونه که با پرت کردن حواس یا تحریک فرد او را آرام می‌کند نیز در تبیین طرح‌واره‌ای خیانت زناشویی مورد توجه مکرر قرار گرفت: «محافظ خودآرام‌بخش که یعنی اصلاً من موقعی که با این آدم حرف می‌زنم در ارتباطم رابطه جنسی دارم، انگار ماده مخدریه که من از همه بدبختی‌ام مخصوصاً تو آقایون خیلی می‌بینم، انگار وقتی خونه معشوقه می‌رم، همه چیز زندگی تعطیل می‌شه و در لحظه بهم خوش می‌گذره».

فراتر از طرح‌واره، تحلیل و بررسی کدهای ابتدایی استخراج‌شده از جلسات، مشخص ساخت که در کنار عوامل طرح‌واره‌ای عوامل دیگر فردی و محیطی از دیدگاه متخصصان در تبیین تجربه رابطه خارج از ازدواج نقش دارند و تمامی این اتفاق را نمی‌توان با سازه‌های این تئوری تبیین کرد: «بحث طرح‌واره و مد و کپی‌نگ یه بخشی از داستان خیانت، این‌ور یه عالمه چیزهای دیگه وجود داره که ممکنه اصلاً روی اینا تأثیر بذاره، من هنوز فکر می‌کنم چیزای دیگه کنار این خیلی تعیین‌کننده است». مضامین فرعی این طبقه عبارت‌اند از: عوامل فردی و عوامل بافتاری.

عوامل فردی به دیگر عوامل شخصیتی فرد عهدشکن اشاره دارند که در کنار طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه ریسک این اتفاق را افزایش می‌دهند: «من فکر کنم به جز طرح‌واره یه چیزهای دیگه‌ای مثل سطح نیازهای روانی ما ویژگی‌های شخصیتی ما و غیره مؤثرند اینجا».

عوامل بافتاری به عواملی خارج از فرد و مربوط به رابطه زوجی، تأثیر جامعه و فرهنگ و عوامل موقعیتی اشاره دارد که در بروز این پدیده تأثیرگذار هستند و به نوعی می‌توانند با فعال‌سازی طرح‌واره‌ها به رابطه خارج از ازدواج دامن بزنند: «آخه به همین سادگی هم نمی‌شه نگاه کرد، گاهی اوقات ما ملاحظات اجتماعی داریم که داستان‌های فرهنگی وسط میاد یا موضوعات دیگه که مؤثره».

شکل ۱ نقشه مضامین سایه‌بانی، مضامین و مضامین فرعی را به شکل سلسله‌مراتبی ارائه می‌دهد. در شکل سعی شده اثر پیش‌بینی‌کنندگی عوامل طرح‌واره‌ای که مد نظر متخصصان است، در کنار عوامل دیگر ترسیم شود. عوامل طرح‌واره‌ای که شامل طرح‌واره‌ها، استراتژی‌های مقابله و ذهنیت‌هاست در باکسی مستقل ارائه شده‌اند.

شکل ۱: نقشه مضامین سایه‌بانی، مضامین و مضامین فرعی



## بحث و نتیجه‌گیری

سه حیطه اصلی سازه‌های صفتی طرح‌واره‌ای و سازه‌های حالتی طرح‌واره‌ای در کنار عوامل فراتر از طرح‌واره در یافته‌های این پژوهش مورد توجه و مذاقه متخصصان قرار گرفت. با وجود اینکه مضمون سایه‌بانی عوامل فراتر از طرح‌واره تکرار و توجه کمتری نسبت به دو مضمون دیگر دریافت کرده بود، اما با توجه به افتراقی که با دو مضمون دیگر و کلیت موضوع مقاله دارد، بهتر است در ابتدا مورد توجه قرار گیرد. داده‌های این مضمون سایه‌بانی روشن می‌سازند که رابطه خارج از ازدواج یک پدیده چندعاملی است و نمی‌توان تمام آن را با مؤلفه‌های دیدگاه طرح‌واره‌درمانی تبیین و توجیه کرد. بسیاری از مطالعات مروری و غیرمروری که به تبیین و بررسی سبب‌شناسی پدیده رابطه خارج از ازدواج پرداخته‌اند، عوامل متعددی را در این موضوع مورد توجه قرار داده‌اند و باور داشته‌اند نمی‌توان تنها به یک عامل در پیدایش آن اشاره کرد (حاصلی، شریفی، ناظری، کرامت و امامیان، ۲۰۱۸، سلترمن، گارسیا، نارپل، ۲۰۱۷).

یک مضمون فرعی در این بخش، عوامل فردی مؤثر در بالا رفتن احتمال خیانت زناشویی بود که به عوامل درون‌روانی مؤثر در این پدیده اشاره کرد. همسو با یافته‌های این پژوهش، مطالعات پیشین، خصوصیات که افراد را برای داشتن رابطه فرازناشویی مستعد می‌سازد را در دو طبقه اصلی متغیرهای جمعیت‌شناختی و روان‌شناختی طبقه‌بندی کرده‌اند. در گروه متغیرهای جمعیت‌شناختی می‌توان به جنسیت (کوچران، چاملین، بیگلی و فن‌ویک<sup>۳۸</sup>، ۲۰۰۴)، سن فرد، سن ازدواج، تحصیلات (اتکینز، باکوم و جکوبسن<sup>۳۹</sup>، ۲۰۰۱) و وضعیت اقتصادی اجتماعی (تریس و گیسن<sup>۴۰</sup>، ۲۰۰۱) اشاره کرد. در زمینه خصوصیات روان‌شناختی که افراد را مستعد شروع یک رابطه فرازناشویی می‌کنند به فاکتورهای متعددی هم‌چون سابقه مشکلات روان‌شناختی بالاتر، سبک دلبستگی نایمن (راسل، باکر و مک‌نالتی<sup>۴۱</sup>، ۲۰۱۴) و باورهای تسهیل‌گر (تریس و گیسن، ۲۰۰۱) اشاره شده است. در همین راستا مطالعه بارتا و کین<sup>۴۲</sup> (۲۰۰۵) نشان داد طبق مدل تفاوت‌های انگیزشی و فردی پیش‌بینی‌کننده خیانت، چهار فاکتور جنسیت، پنج عامل شخصیت، وضعیت اقتصادی و جهت‌گیری اجتماعی جنسی افراد، آن‌ها را مستعد ورود به رابطه خارج از ازدواج می‌کند. در عین حال عوامل مربوط به رابطه و محیط (فینچام و همکاران، ۲۰۱۸) نیز در این پژوهش مورد توجه قرار گرفتند. این یافته در دیگر مطالعات انجام‌شده در این حوزه مورد تأیید است و تحت عنوان عوامل محیطی مورد توجه قرار می‌گیرند. وضعیت شغلی و ساعات کاری فرد و میزان دوری از خانه، نرم‌های اجتماعی و مذهب در این دسته از عوامل قرار می‌گیرند (آلن، ۲۰۰۴).

در گام بعدی به مفاهیم طرح‌واره‌ای دخیل در رابطه خارج از ازدواج پرداخته شد. نتایج از فعالیت سازه‌های حالتی و صفتی طرح‌واره‌ای خبر می‌دهند. طرح‌واره‌های مورد توجه، به حوزه طرد و بریدگی، محدودیت‌های مختل و دیگرجهت‌مندی تعلق داشتند. این یافته با دیدگاه نظریه‌پردازان دیدگاه طرح‌واره‌درمانی مبنی بر تأثیر این طرح‌واره‌ها بر خیانت زناشویی هماهنگ است. دی فرانسیسکو و همکارانش (۲۰۱۵) معتقدند طرح‌واره‌های رهاشدگی بی‌ثباتی<sup>۴۳</sup>، محرومیت هیجانی<sup>۴۴</sup> و پذیرش‌جویی<sup>۴۵</sup> نشان‌دهنده وجود نیازهای شدید ارضاننده در فرد هستند و راه را برای رابطه موازی هموار می‌کنند. طرح‌واره‌های استحقاق بزرگ‌منشی<sup>۴۶</sup> و خویش‌داری و خودانضباطی ناکافی<sup>۴۷</sup> نیز با ایجاد ناتوانی در فرد در پیگیری قوانین و محدودیت‌ها و ایجاد احساس محق‌بودن، فرد را به سمت خیانت سوق می‌دهند. در عین حال یکی از

کدهای پرتکرار در این مطالعه همراهی طرح‌واره‌های حوزه طرد و بریدگی و محدودیت‌های مختل در این فضا بود. این داده در مطالعه خدابخشی، بساطی، تاجیک، تقوایی و متی‌زاده (۱۳۹۳) نیز قابل مشاهده است که فعالیت طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در حوزه طرد و بریدگی و محدودیت‌های مختل در مردان عهدشکن بیش از دیگران است. مطالعه زینالی و امیرسرداری (۲۰۱۸) نیز در همین راستا در نتیجه تلاش برای پیش‌بینی احتمال خیانت زناشویی به واسطه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، فعالیت حوزه طرد و بریدگی و دیگرجهت‌مندی را مؤثر دانست. در این مطالعه حوزه محدودیت‌های مختل توان پیش‌بینی وقوع رابطه خارج از ازدواج را نداشت. مطالعه پورحجت در مقایسه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در میان زنان دارای تجربه خیانت و زنان بدون این تجربه، از فعالیت طرح‌واره‌های رهاشدگی، محرومیت هیجانی، نقص و شرم، ایثار، اطاعت، استحقاق و خویش‌داری ناکافی خبر داد (۲۰۱۶) که هم‌بندی بالایی با یافته‌های پژوهش حاضر داشت. در واقع عدم ارضای نیازهای دل‌بستگی و امنیت به شکل مناسب در کودکی و شکل‌گیری طرح‌واره‌های حوزه طرد و بریدگی، افراد را در متعهد ماندن به یک رابطه بزرگسالانه با مشکل مواجه می‌کند (جنفرو<sup>۴۸</sup>، ۲۰۰۹). این احتمال با وجود خصوصیات تکانشگری، ناتوانی در خویش‌داری و احساس استحقاق (کمبل و فاستر<sup>۴۹</sup>، ۲۰۰۵) که ریشه در عدم رشد محدودیت‌های درونی دارد، بالاتر می‌رود.

داده دیگر این پژوهش بر سبک‌های مقابله‌ای افراد در برابر طرح‌واره‌هایشان متمرکز بود. داده‌ها از سبک‌های مقابله‌ای متفاوت در برابر طرح‌واره‌های مختلف حکایت داشتند. از سویی خیانت زناشویی تسلیمی در برابر طرح‌واره‌های حوزه طرد و بریدگی تلقی شد. مکانیسمی که در این مسیر فعال است، زیستن مکرر طرح‌واره‌هاست. فرد با وارد شدن به رابطه‌ای که ذاتاً توان ارضای اصیل نیازهایش را ندارد و نهایتاً او را ناکام خواهد کرد، مکرراً رنج‌های طرح‌واره‌اش را زنده و آن را تجربه می‌کند، رها می‌شود، دروغ می‌شنود و نیازهای هیجانی‌اش ارضا نمی‌شود و طرح‌واره تداوم می‌یابد. استراتژی مقابله تسلیم در برابر طرح‌واره‌های حوزه محدودیت‌های مختل نیز در تبیین رابطه خارج از ازدواج مورد توجه قرار گرفت. در این روایت افراد با پذیرش درست‌بودن طرح‌واره‌های این حوزه و گردن‌نهادن به آن به خود اجازه می‌دهند از چارچوب‌ها عبور کنند، خود را محق بدانند و بدون در نظر گرفتن دیگران بر ارضای نیازهای خودشان تأکید کنند. از دیگر سو، استراتژی جبران افراطی در برابر طرح‌واره‌های رهاشدگی بی‌ثباتی، محرومیت هیجانی، نقص و شرم و اطاعت نیز در خیانت زناشویی مؤثر دانسته شد. در این روایت باور بر این است که رابطه خارج از ازدواج به فرد کمک می‌کند تا از احساسات دردناک و رنج‌آور تنهایی، مورد عشق و محبت نبودن، خوب و جذاب‌نبودن رهایی یابد. در واقع فرد امید دارد این رابطه به او کمک کند از رنج عمیق روانی دیرینه‌اش رهایی یابد. مسئله اینجاست که هم‌چون دیگر رفتارهایی که از استراتژی جبران نشئت می‌گیرند، این روابط نیز توان ارضای نیاز کامل را ندارند و عطش و میل تکرار هم‌چنان با فرد می‌ماند.

تاکنون مطالعات محدودی به بررسی نقش سبک‌های مقابله‌ای در مشکلات افراد پرداخته‌اند و تا جایی که مطالعات ما روشن می‌سازد، هیچ مطالعه‌ای به بررسی رابطه میان سبک‌های مقابله‌ای و رابطه خارج از ازدواج نپرداخته است. نکته‌ای که در این میان حائز اهمیت است و با داده‌های قبلی همسو است، به کلیت سبک‌های مقابله‌ای و دردی که افراد از فعالیت آن تجربه می‌کنند، مربوط است. طبق نظریه طرح‌واره درمانی اکثر افرادی که از جبران افراطی استفاده می‌کنند، سالم به نظر می‌رسند. این افراد معمولاً تا حدی از لحاظ

اجتماعی مورد تأیید هستند، اما در روابط صمیمی خود با مشکل مواجه هستند (یانگ، ۲۰۰۳). در اینجا نیز افراد با سبک مقابله‌ای جبران، شکایت کمتری را به درمانگران خود ابراز کرده بودند و گویا هرچند موقت از رنج خود فاصله گرفته بودند.

در نهایت مضمون سایه‌بانی نهایی این پژوهش بر سازه‌های صفتی و در واقع ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای متمرکز بود. در میان ذهنیت‌ها، ذهنیت کودک آسیب‌پذیر، کودک تکانشی، والد سرزنشگر و محافظ خود آرام‌بخش مورد توجه قرار گرفت. ذهنیت کودک آسیب‌پذیر با احساس خالی‌بودن، تنهایی، پذیرفته‌نشدن، لایق‌نبودن برای عشق و دوست‌داشتنی‌نبودن مشخص می‌شود (دی‌فرانسیسکو و همکاران، ۲۰۱۵). این ذهنیت از فعالیت هم‌زمان طرح‌واره‌های محرومیت هیجانی، رهاشدگی و آسیب‌پذیری و تجربه هیجانات معطوف به آنان همراه است (یانگ، ۲۰۰۳). به نوعی می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که رابطه خارج از ازدواج در مراحل با فعالیت بالای طرح‌واره‌های حوزه طرد و بریدگی با سبک مقابله‌ای تسلیم همراه است. دیدن رد ذهنیت کودک تکانشی نیز فعالیت بالای طرح‌واره‌های حوزه محدودیت‌های مختل با سبک مقابله‌ای تسلیم را محتمل می‌سازد که شرح آن در ابتدا ارائه شد.

در مورد ذهنیت والد سرزنشگر و ذهنیت سبک مقابله‌ای محافظ خودآرام‌بخش، موضوع مورد توجه در این است که داده‌های این بخش تا حدی با داده‌های به دست آمده در مضمون سایه‌بانی سازه‌های حالتی یعنی طرح‌واره‌ها و سبک‌های مقابله‌ای ناهمخوان است. ذهنیت والد سرزنشگر با طرح‌واره‌های حوزه گوش‌به‌زنگی بیش از حد و بازداری همراه است و این طرح‌واره‌ها در طبقه سازه‌های دیده نشد. تحلیل کدهای سازنده این طبقه فرعی نشان‌دهنده تفاوت مهمی در مورد این طبقه با طبقات دیگر دارد. تمام متخصصانی که به این ذهنیت اشاره کردند، آن را به عنوان آنچه مراجعان بعد از وارد شدن به خیانت زناشویی تجربه می‌کنند، مربوط دانستند. این در حالی است که مفاهیم پیشین شرح‌دهنده عوامل پیش‌بینی‌کننده و در عین حال سازنده خیانت زناشویی بود. تجربه احساس گناه و سرزنش خود در پی شکستن تعهد ازواج در داده‌های مطالعات دیگر مورد توجه بوده است (فیشر، ووراک، رکاس و کاس<sup>۵۰</sup>، ۲۰۰۹). در مورد ذهنیت محافظ خودآرام‌بخش نیز سبک مقابله‌ای اجتناب سهم پررنگی دارد و در این در حالی است که این سبک در مضمون سازه‌های حالتی گزارش نشد. اما مطالعات متعددی به نقش سبک دل‌بستگی اجتنابی و رفتارهای اجتنابی (استوارت<sup>۵۱</sup>، ۲۰۱۷) که هم‌بودی بالایی با این ذهنیت دارند، توجه داشته‌اند.

جست‌وجو در ادبیات پژوهش نتوانست ما را به مطالعاتی برساند که نقش ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای را در خیانت زناشویی مورد مطالعه قرار دهد. بررسی‌ها، تنها نشان دادند که این ذهنیت با مشکلات رفتاری متعدد همراه‌اند. در این زمینه مطالعه روالوف، موریس و لوبستل<sup>۵۲</sup> (۲۰۱۵) نشان داد ذهنیت‌های طرح‌واره‌ای ناکارآمد کودک، والد و سبک‌های مقابله‌ای به طور مثبتی با آسیب‌شناسی روانی و به طور منفی با کیفیت زندگی افراد رابطه دارند.

در مجموع می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که نتایج این مطالعه هم‌راستا با مطالعات قبلی از نقش طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در کنار دیگر عوامل فردی و بافتاری، در تبیین رابطه خارج از ازدواج حکایت دارد. نتایج مشخص ساختند ظهور این طرح‌واره که اکثراً در حوزه طرد و بریدگی، محدودیت‌های مختل و دیگر جهت‌مندی است، معمولاً با استراتژی مقابله تسلیم و جبران افراطی و با تجربه ذهنیت‌های کودک، والد

و سبک‌های مقابله‌ای ناکارآمد همراه است. این نتیجه‌گیری درک جدیدی نسبت به رابطه خارج از ازدواج می‌آفریند و باب جدید و مهمی را در مداخلات درمانی فردی و زوجی برای افراد درگیر در یک رابطه خارج از ازدواج باز می‌کند. اما این محدودیت باید مورد توجه قرار گیرد که داده‌های این مطالعه، هم‌چون تمام مطالعات کیفی، قابلیت تعمیم‌پذیری محدودی دارند و ضروری است مطالعات بعدی این داده‌ها را در جمعیت‌های عمومی و بالینی مورد بررسی مجدد قرار دهند. در واقع در این مطالعه سعی شد جمع‌بندی کلی از نقش عوامل طرح‌واره‌ای در خیانت زناشویی به دست آید. بدیهی است که این تنها سنگ بنای ابتدایی است و یافته‌های مطالعات بعدی باید بر جنبه‌های اختصاصی این درک بیفزاید.

### پی‌نوشت‌ها

- |  |   |
|--|---|
| 1. ÖZGÜN   | 28. Nordahl, Holthe & Haugum                  |
| 2. Apostolou   | 29. Stiles                                    |
| 3. Olson, DeFrain, & Skogrand                        | 30. Thematic Analysis                         |
| 4. Fife, Weeks, & Stellberg                          | 31. Clarke, Braun & Hayfield                  |
| 5. Mei   | 32. Latent thematic analysis                  |
| 6. Allen & Atkins                                    | 33. Braun & Clarke                            |
| 7. Ignat   | 34. Overarching Themes                        |
| 8. Ravhudzulo  | 35. Themes                                    |
| 9. Fincham & May                                     | 36. Sub Themes                                |
| 10. DeWall, Lambert, Slotter, Pondf, Deckman, Finkel | 37. Selterman, Garcia & Tsapelas              |
| 11. Hackathorn & Brantley                            | 38. Cochran, Chamlin, Beeghley & Fenwick      |
| 12. Weiser, Weigel, Lalasz, & Evans                  | 39. Atkins, Baucom & Jacobson                 |
| 13. Leahy  | 40. Treas & Giesen                            |
| 14. Early maladaptive schema                         | 41. Russell, Baker & McNulty                  |
| 15. Young  | 42. Barta & Kiene                             |
| 16. Klosko & Weishaar                                | 43. Abandonment/Instability                   |
| 17. Vreeswijk, Broersen & Nadert                     | 44. Emotional Deprivation                     |
| 18. Disconnection & Rejection                        | 45. Approval Seeking                          |
| 19. Impaired Autonomy & Performance                  | 46. Entitlement/ Grandiosity                  |
| 20. Impaired limit                                   | 47. Insufficient Self Control/Self Discipline |
| 21. Other- Direction                                 | 48. Jeanfreau                                 |
| 22. Overvigilance/ Inhibition                        | 49. Campbel & foster                          |
| 23. Rafaeli & Bernstein                              | 50. Fisher, Voracek, Rekkas & Cox             |
| 24. Pascal, Christine & Jean                         | 51. Stewart                                   |
| 25. Thimm  | 52. Roelof, Muris & Lobbestae                 |
| 26. Mans, Breat & Vlierberqne                        |   |
| 27. Simeone □ DiFrancesco, Roediger & Stevens        |   |

### منابع

پیروی، م. و بهرامی، ه. (۱۳۹۶). بررسی رابطه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه زوجین و سازگاری زناشویی در دانشجویان متأهل واحد علوم تحقیقات تهران. نشریه علمی رویش روان‌شناسی، ۶ (۱)، ۱۵۸-۱۳۱.

- خدابخشی کولابی، الف.، بساطی مطلق، ط.، اسماعیلی، ع.، و رحمتی‌زاده، ا. (۱۳۹۳). طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و نگرش صمیمانه در مردان متأهل پیمان‌شکن و غیرپیمان‌شکن. *نشریه روان پرستاری*، ۲ (۳)، ۲۳-۱۲.
- ذوالفقاری، م.، فاتحی‌زاده، م.، و عابدی، م. (۱۳۸۷). تعیین رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد صمیمیت زناشویی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، شماره ۱۵، ۲۶۱-۲۴۷.
- مدرسی، ف.، زاهدیان، ح.، و هاشمی محمدآباد، ن. (۱۳۹۳). میزان سازگاری زناشویی و کیفیت عشق در متقاضیان طلاق دارای سابقه خیانت زناشویی و فاقد سابقه خیانت زناشویی. *ارمغان دانش، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج*، ۱۹ (۱)، ۷۸-۸۸.
- یوسفی، ن.، اعتمادی، ع.، و بهرامی، الف. (۱۳۸۹). مقایسه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در همسران مطلقه و عادی به عنوان پیش‌بینی‌کننده طلاق. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۶ (۱)، ۳۳-۲۱.

- Alavi, M., Mei, T. K., & Mehrinezhad, S. A. (2018). The Dark Triad of Personality and Infidelity Intentions: the Moderating Role of Relationship Experience. *Personality and Individual Differences*, 128, 49-54.
- Allan, G. (2004). Being Unfaithful: His and Her Affairs. *The State of Affairs: Explorations in Infidelity and Commitment*, 22(1), 121-140.
- Allen, E. S., & Atkins, D. C. (2012). The Association of Divorce and Extramarital Sex in a Representative US Sample. *Journal of Family Issues*, 33(11), 1477-1493.
- Apostolou, M. (2019). Why Greek-Cypriots Cheat? The Evolutionary Origins of the Big-Five of Infidelity. *Evolutionary Behavioral Sciences*, 13(1), 71-83.
- Atkins, D. C., Baucom, D. H., & Jacobson, N. S. (2001). Understanding Infidelity: Correlates in a National Random Sample. *Journal of family psychology*, 15(4), 735-749.
- Barta, W. D., & Kiene, S. M. (2005). Motivations for Infidelity in Heterosexual Dating Couples: The Roles of Gender, Personality Differences, and Sociosexual Orientation. *Journal of Social and Personal Relationships*, 22(3), 339-360.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using Thematic Analysis in Psychology. *Qualitative research in psychology*, 3(2), 77-101.
- Cano, A., & O'Leary, K. D. (2000). Infidelity and Separations Precipitate Major Depressive Episodes and Symptoms of Nonspecific Depression and Anxiety. *Journal of consulting and clinical psychology*, 68(5), 774-781.
- Cochran, J., Chamlin, M., Beeghly, L., & Fenwick, M. (2004). Religion, Religiosity, and Nonmarital Sexual Conduct: An Application of Reference Group Theory. *Sociological Inquiry*, 30, 45-62.
- Clarke, V., Braun, V., & Hayfield, N. (2015). Thematic Analysis. In J. A. Smith. (Ed.), *Qualitative psychology: A practical guide to research methods* (3rd ed.) (pp. 222-248). London: Sage Publication.
- DeWall, C. N., Lambert, N. M., Slotter, E. B., Pond Jr, R. S., Deckman, T., Finkel, E. J., ... & Fincham, F. D. (2011). So Far Away from One's Partner, yet so Close to Romantic Alternatives: Avoidant Attachment, Interest in Alternatives, and Infidelity. *Journal of Personality and Social Psychology*, 101(6), 1302-1316.
- Fife, S. T., Weeks, G. R., & Stellberg-Filbert, J. (2013). Facilitating Forgiveness in the Treatment of Infidelity: An Interpersonal Model. *Journal of Family Therapy*, 35(4), 343-367.
- Fincham, F. D., & May, R. W. (2017). Infidelity in Romantic Relationships. *Current Opinion in Psychology*, 13, 70-74.
- Fisher, M., Voracek, M., Rekkas, P. V., & Cox, A. (2008). Sex Differences in Feelings of Guilt Arising from Infidelity. *Evolutionary Psychology*, 6(3), 436-446.



- Foster, J. D., & Campbell, W. K. (2005). Narcissism and Resistance to Doubts about Romantic Partners. *Journal of Research in Personality*, 39(5), 550-557.
- Hackathorn, J., & Brantley, A. (2014). To Know You is (not) to Want You: Mediators between Sociosexual Orientation and Romantic Commitment. *Current Psychology*, 33(2), 89-97.
- Haseli, A., Shariati, M., Nazari, A. M., Keramat, A., & Emamian, M. H. (2019). Infidelity and Its Associated Factors: A Systematic Review. *The Journal of Sexual Medicine*, 16(8), 1-15 [in Persian].
- Ignat, R. (2018). Infidelity, Impulsivity, Attachment and Distorted Cognitions. *The Journal of Sexual Medicine*, 15(7), 42-47.
- Jeanfreau, M. (2009). A Qualitative Study Investigating the Decision-Making Process of Women's Participation in Marital Infidelity (Doctoral dissertation, Kansas state university). Department of Family Studies and Human Services College of Human Ecology. Kansas State University.
- Koolae, K. A., Motlagh, B., Esmaili, T., taghvae, D. & Rahmatizade, M. (2014). The Comparison of Early Maladaptive Schema and Intimacy in Married Infidelity and Non-Infidelity Men. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing*, 7 (14), 2345-2501 [in Persian].
- Leahy, R. L. (2006). *Contemporary Cognitive Therapy: Theory, research, and practice*. London: Guilford Press.
- Mans, G. B., Breat, C., Vlierberqne, L. V. (2010). Attachment and Symptoms of Psychopathology :Early Maladaptive Schema as a Cognitive Link. *Journal of clinical psychology and psychotherapy*, 17, 374-387.
- Modarresi, F., Zahedian, H. & Hashemi Mohammad Abad, S. N. (2013). The Rate of Marital Fidelity and Quality of Love in Divorce Applicant with and without Marital Infidelity Precedent. *Armaghane Danesh*, 19(1), 78-88 [in Persian].
- Nordahl, H. M., Holthe, H., & Haugum, J. A. (2015). Early Maladaptive Schemas in Patients with or without Personality Disorders: Does Schema Modification Predict Symptomatic Relief. *Clinical Psychology and Psychotherapy*, 12, 142-146.
- Ollendick, T. H., & Horsch, L. M. (2007). Fears in Clinic- Referred Children: Relations With Child Anxiety Sensitivity, Maternal Overcontrol, and Maternal Phobic Anxiety. *Behavior Therapy*, 38(4), 402-411.
- Olson, D., DeFrain, J., & Skogrand, L. (2010). *Marriages and families: Intimacy, diversity, and strengths*. New York: McGraw Hill.
- Özgun, S. (2010). The Predictors of the Traumatic Effect of Extramarital Infidelity on Married Women: Coping Strategies, Resources, and Forgiveness. Doctoral dissertation, Middle East Technical University.
- Pascal, A., Christine, A., Jean, L. (2008). Development and Validation of the Cognitive Inventory of Subjective Distress. *Int J Geriatr Psychiatr*, 23(11), 1175-1181.
- Peyravi, M. & Bahrami, H. (2018). Investigate the Relationship between Early Maladaptive Schemas Couples and Marital Adjustment in Married Students of Tehran Science and Research Branch. *Journal of Rooyesh e ravanshenasi*. 18(1), 131- 158 [in Persian].
- Porjorat, M. (2016). A Comparative Study of Early Maladaptive Schemas in Women with Marital Infidelity Experience and those Who Didn't Have Such an Experience. *Acta Medica International*, 3(1), 89-91.
- Previti, D., & Amato, P. R. (2004). Is Infidelity a Cause Or a Consequence of Poor Marital Quality?. *Journal of Social and Personal Relationships*, 21(2), 217-230.
- Rafaeli, E., Bernstein, D. P., & Young, J. (2010). *Schema therapy: Distinctive features*. London: Routledge.

- Ravhudzulo, A. (2012). *Riding the Wave of the Sting of Infidelity in a Marriage: We All Have Those Moments That Are Called "Suddenly'S"*. New York: Xlibris Corporation Publishing.
- Roelofs, J., Muris, P., van Wesemael, D., Broers, N. J., Shaw, I., & Farrell, J. (2016). Group-Schematherapy for Adolescents: Results from a Naturalistic Multiple Case Study. *Journal of child and family studies*, 25(7), 2246-2257.
- Roelofs, J., Onckels, L., & Muris, P. (2013). Attachment Quality and Psychopathological Symptoms in Clinically Referred Adolescents: The Mediating Role of Early Maladaptive Schema. *Journal of child and family studies*, 22(3), 377-385.
- Russell, V. M., Baker, L. R., & McNulty, J. K. (2013). Attachment Insecurity and Infidelity in Marriage: Do Studies of Dating Relationships Really Inform Us about Marriage?. *Journal of Family Psychology*, 27(2), 242-251.
- Seltermann, D., Garcia, J. R., & Tsapelas, I. (2019). Motivations for Extradyadic Infidelity Revisited. *The Journal of Sex Research*, 56(3), 273-286.
- Simeone DiFrancesco, C., Roediger, E., & Stevens, B. A. (2015). *Approaching Schema Therapy for Couples. Schema Therapy with Couples: A Practitioner's Guide to Healing Relationships*, London: Sage Publication.
- Stewart, C. M. (2017). *Attitudes, Attachment Styles, and Gender: Implications on Perceptions of Infidelity. A Thesis Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Master of Science - Marriage and Family Therapy. University of Nevada.*
- Stiles, O. E. (2004). *Early maladaptive Schemas and Intimacy in Young Adult's Styles*. Unpublished doctoral dissertation, New York University.
- Thimm, J. C. (2013). Early Maladaptive Schemas and Interpersonal Problems: A Circumplex Analysis of the YSQ-SF. *International journal of psychology and psychological therapy*, 13(1), 113-124 .
- Treas, J., & Giesen, D. (2000). Sexual Infidelity among Married and Cohabiting Americans. *Journal of marriage and family*, 62(1), 48-60.
- Vreeswijk, M., Broersen, J., & Nadort, M. (2015). *The Wiley-Blackwell handbook of schema therapy: Theory, research and practice*. New Jersey: John Wiley & Sons.
- Weiser, D. A., Lalasz, C. B., Weigel, D. J., & Evans, W. P. (2014). A Prototype Analysis of Infidelity. *Personal Relationships*, 21(4), 655-675.
- Young, J. E. (1990). *Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach*. Sarasota, FL: Professional Resource Press.
- Young, J. E. (2005). Schema-Focused Cognitive Therapy and the Case of Ms. S. *Journal of Psychotherapy Integration*, 15(1), 115-126.
- Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2003). *Schema therapy: A practitioner's guide*: London: Guilford Press.
- Yousefi, N., Etemadi, o., Bahrami, F., Ahmadi, A. & Fatehi zاده, M. (2010) .Comparing Early Maladaptive Schemas Among Divorced and Non-divorced Couples as Predictors of Divorce. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 16(1), 21-33[in Persian].
- Zeinali, A., & Amirsardari, L. (2018). Predicting infidelity proneness using early maladaptive schemas. *Jentashapir Journal of Health Research*, 9(1). doi: 10.5812/jjhr.11892.
- Zolfaghari, M. Atehzade, M. & abedi, M. (2008). Determining Relationships Between Early Maladaptive Schemas and Marital Intimacy Among Mobarakeh Steel Complex Personnel. *Journal of Family Research*, 4(3), 247-261[in Persian].